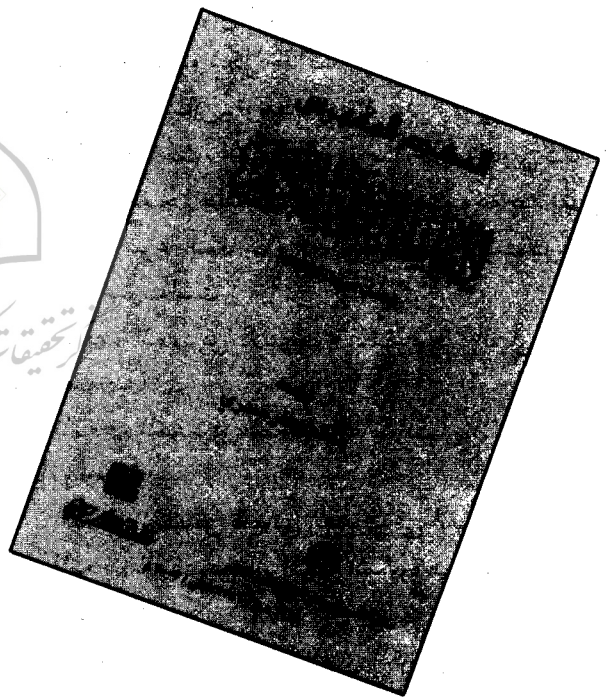


گامی نو و شایسته در معجم نگاری قرآنی

محمدعلی مهدوی راد



المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، محمد جعفر صدیقی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، دوم (در ویرایش ریشه‌ای) و اول (در ویرایش الفبایی)، ۱۳۸۶ (در هر دو ویرایش)، قطع و تعداد صفحات: وزیری، ۱۸۰۰ صفحه (در ویرایش ریشه‌ای) و ۱۷۶۰ (در ویرایش الفبایی).

پیشینه معجم نگاری قرآنی

قرآن کریم از معدود کتاب‌هایی است که از آغاز نزول آن تا کنون، کانون توجه بسیاری از انسان‌ها بوده و هر کس به فراخور نیاز خویش - اعم از نیازهای معرفتی و معنوی - به سراغ آن رفته و می‌رود؛ از این رو در میان مردم جهان، به ویژه مسلمانان، مراجعه کنندگان فراوانی دارد.

حجم نسبتاً زیاد قرآن کریم و فراوانی آیات آن از یک سو و گستردگی و جامعیت مطالب آن از سوی دیگر، محققان بسیاری را از دیرباز تا زمان حاضر بر آن داشته تا معجم‌های لفظی و موضوعی گوناگونی را برای این کتاب آسمانی تدوین کنند. برخی از مشهورترین این معجم‌ها که به چاپ رسیده و در دسترس همگان قرار گرفته، به شرح زیر است:

الف) معجم‌های قدیم: ۱- مفتاح کنوز القرآن از میرزا کاظم بک، فتح الرحمن لطالب آیات القرآن از علمی زاده فیض الله الحسنی، المرشد الی آیات القرآن الکریم و کلماته از محمد فارس برکات، معجم ألفاظ القرآن الکریم از مجمع اللغة العربیة در مصر، معجم الألفاظ و الأعلام القرآنیة از محمد اسماعیل ابراهیم، الموسوعة القرآنیة المیسرة (ج ۳ و ۵) از ابراهیم الأبیاری، نجوم الفرقان فی أطراف القرآن از گوستاو فلوگل، و سرانجام، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم! ۲ از محمد فؤاد عبدالباقی. ۳

۱. برای اطلاع کامل از معجم‌های قرآنی قدیم، ر. ک به: المعجم الإحصائی، ج ۱. در این کتاب ارزشمند، گزارش‌های توصیفی و انتقادی مفصلی در باب معجم‌های قرآنی واژه‌یاب آمده است.
۲. در سال‌های اخیر، ویرایش‌های جدیدی از این کتاب به بازار عرضه شده است که ساختار کلی آنها تغییر چندانی نکرده است؛ تنها تفاوت آنها در افزودن متن قرآن، مشکل ساختن آیات و یا تغییر روش ترتیب مدخل‌ها از ریشه‌ای به الفبایی و امثال آن بوده است؛ مانند: المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم از حسین اعلمی (بیروت: مؤسسه‌الأعلمی، ۱۴۲۰ ق/ ۱۹۹۹ م)، اثر دیگری با همین نام از محمد سعید اللحام (بیروت: دار المعرفة، ۱۴۲۵ ق/ ۲۰۰۵ م)، ترتیب المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم؛ از محسن بیدارفر؛ (قم: بیدارفر، ۱۳۸۱ ش) و المعجم المفهرس، از عبدالرحیم عقیقی بخشایشی (قم: مکتبه نوید اسلام، ۱۳۸۳ ش = همان ویرایش اعلمی به همراه متن قرآن کریم).
۳. برای اطلاع از زندگی‌نامه او، ر. ک به: الأعلام زکلی، ج ۶، ص ۳۳۳.



آن هم اکنون در معرض دید و ارزیابی همگان قرار دارد، نباید همچنان به حاصل کار پیشینیان بسنده کرد و پیوسته بر سر سفره حاضر و آماده آنان نشست، بلکه انتظار می رود در پرتو نقد و بررسی میراث گذشتگان و مشخص ساختن نقاط قوت و ضعف آن و نیز با به کارگیری ابزارها و امکانات جدید، گامی به جلو نهاد و اثری نو، کارآمد و پیراسته از کاستی های آثار پیشینیان و برخوردار از نقاط قوت و جهات مثبت آنها پدید آورد؛ به گونه ای که بتواند حتی الامکان کار اطلاع رسانی در این حوزه را توسعه کمی و کیفی دهد و با رعایت معیارهای معجم نگاری، نیازهای مراجعه کنندگان را در دستیابی به آیه و آیات مورد نظر، به درستی و به آسانی و در کمترین زمان ممکن تأمین نماید.

معجم حاضر گامی است مبارک و قابل تجلیل در راستای جامه عمل پوشاندن به این مهم که به ویژه با بهره گیری از اثر ارزشمند و ماندگار مرحوم محمد فؤاد عبدالباقی، یعنی المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم پدید آمده است.

این معجم در دو شکل جداگانه - هم به صورت ریشه ای و هم به صورت الفبایی - توسط دفتر پژوهش و نشر سهروردی منتشر گردیده است. آن گونه که در صفحات آغازین کتاب آمده، این دو معجم حلقه اول و دوم از یک مجموعه چندجلدی با عنوان «موسوعة المعاجم و البحوث القرآنیة» است که دیگر عناوین آن عبارت است از:

- المعجم المفهرس للأدوات و الضمائر في القرآن الکریم (در دست تهیه)؛

- المعجم المفهرس لمعاني ألفاظ القرآن الکریم (بخش اسماء و افعال)؛

- المعجم المفهرس لمعاني الحروف في القرآن الکریم؛
- المعجم المفهرس للتراكيب المكررة في القرآن الکریم (در دست تهیه)؛

- المعجم التحليلي لإعراب القرآن الکریم و صرفه؛
توفیق مؤلف محترم را برای اتمام این مجموعه ارزشمند، از خداوند بزرگ مسئلت داریم.

ساختار کلی معجم

هر یک از این دو معجم، از سه بخش تشکیل شده است: مقدمه، متن معجم و مؤخره. در مقدمه هر دو کتاب، مؤلف محترم در باب معرفی کتاب و ویژگی ها و امتیازات آن در مقایسه با معجم عبدالباقی به تفصیل سخن گفته است و نگارنده نیز در نگارش این معرفی، افزون بر مراجعات و مشاهدات مکرر روزانه و استفاده مستقیم خود، بسیار از آن استفاده کرده است.

معجم های جدید: فهرس الألفاظ از محمود رامیار، المعجم المفهرس لآیات القرآن الکریم از الیاس کلانتری (تهران: اسوه، ۱۳۷۷ ش)، معجم کلمات القرآن العظیم از محمد عدنان سالم و محمد وهبی سلیمان (بیروت: دار الفکر المعاصر - دمشق: دار الفکر، ۱۴۱۹ ق/ ۱۹۹۸ م)، المعجم المفهرس لکشف آیات القرآن از رضا کیان زاد (تهران: کیان کتاب، ۱۳۸۰ ش/ ۱۴۲۲ ق)، المعجم الإحصائي لألفاظ القرآن الکریم از محمود روحانی (مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش) و معجم ألفاظ القرآن الکریم از حسان عبدالمنان (ریاض: بیت الأفكار الدولیة، ۱۴۲۱ ق/ ۲۰۰۰ م).

المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم اثر دانشمند فقید مصری، مرحوم محمد فؤاد عبدالباقی (۱۲۹۹ - ۱۳۸۸ ق) به طور قطع مهم ترین، ارزشمندترین، کارآمدترین و متداول ترین فرهنگ واژه یاب قرآنی به شیوه ریشه ای است که تا کنون فراهم آمده است. این کتاب که در سراسر جهان اسلام قبول عام یافته و از دیرباز، همه قرآن پژوهان را در پژوهش های قرآنی خود یاری رسانده است، نخستین بار در سال ۱۳۶۴ ق/ ۱۹۴۵ م در قاهره و توسط دار الکتب المصریة به چاپ رسیده و پس از آن، در همان جا و برخی دیگر از کشورهای اسلامی، مانند لبنان، سوریه، ترکیه، ایران و ... به همان صورت اولیه و اخیراً آگاه با تغییرات اندکی تجدید چاپ شده است. این معجم نقطه ای عطفی است در تاریخ نگارش معجم های واژه یاب قرآنی که بخشی از آیه قرآن را به همراه دارد.

مؤلف همان گونه که در مقدمه کتاب اظهار می کند، در تدوین این معجم، خود را وام دار مستشرق آلمانی، گوستاو فلوگل و کتاب ارزشمندش نجوم الفرقان في أطراف القرآن (منتشر شده در سال ۱۸۴۲ م) می داند. عبدالباقی اثر فلوگل را سنگ بنای کار خویش قرار داده، با مراجعه مکرر به منابع لغوی و تفسیری و افزودن آیات قرآن کریم و نشان دادن سیاقی که واژه قرآنی در آن به کار رفته، اثر ماندگار خویش، یعنی المعجم المفهرس را پدید آورده است.

المعجم المفهرس دارای سبکی بدیع، زیبا و برخوردار از دقت و اتقان نسبی است، ولی علی رغم امتیازات فراوانی که دارد، دارای نقاط ضعف و کاستی هایی نیز هست که بر قرآن پژوهان و مراجعه کنندگان به آن، پوشیده نیست. در ادامه این مقال و به تناسب، به برخی از این کاستی ها اشاره می کنیم.

امروزه با گذشت حدود هفت دهه از نخستین چاپ معجم عبدالباقی و با توجه به پیشرفت ابزارها و امکانات معجم نگاری و نیز تجربه های فراوانی که در این حوزه صورت گرفته و حاصل

ویژگی‌های کلی معجم

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های معجم حاضر به شرح زیر است:
 ۱- افزودن متن کامل قرآن کریم: در راستای تسهیل و تسریع در دستیابی به مقصود، متن کامل قرآن کریم به خط زیبای خطاط مشهور سوری، عثمان طه در کنار ۶۰۴ صفحه نخستین معجم آمده است.

۲- اعراب‌گذاری کامل آیات و مشکل‌ساختن آنها: در معجم حاضر، علاوه بر مدخل‌ها، تمامی آیات قرآن نیز دارای اعراب است و به صورت مشکل آمده است. مؤلف در ارتباط با فایل قرآن مورد استفاده در تهیه معجم خود و میزان صحت آن می‌نویسد (مقدمه فارسی ویرایش ریشه‌ای، ص ۱۰):

فایل متن عربی قرآن کریم که در تهیه معجم حاضر مورد استفاده قرار گرفته است، علاوه بر تصحیح اولیه در آغاز کار و نیز تصحیحات مکرر در طول بیش از هفت سال آماده‌سازی آن، چند بار توسط کارشناسان و مصححان سخت‌کوش «سازمان دارالقرآن الکریم» تصحیح شده است؛ به گونه‌ای که به جرئت می‌توان ادعا کرد که اگر بی‌غلط نباشد، دست‌کم غلط‌های آن نزدیک به صفر است و از این بابت خدای بزرگ را سپاس می‌گوییم. بر این اساس، امید آن می‌رود که معجم حاضر از هرگونه سهو و اشتباه و از آن جمله اشتباهاتی که در معجم محمد فؤاد عبدالباقی، چه در ناحیه مدخل‌ها و چه در ناحیه آیات قرآنی و دیگر بخش‌های آن راه یافته، مصون مانده باشد.^۲

۴. پاره‌ای از این اشتباهات بدین شرح است:

برخی از مدخل‌ها به غلط اعراب‌گذاری شده‌اند، مثلاً: «فَأْتَبْتُوَا» به جای «فَأْتَبْتُوَا»، «أَزْوَاجِكُمْ» به جای «أَزْوَاجِكُمْ»، «ضَرَّ» به جای «ضَرَّ» و «يَزْعُمُونَ» به جای «يَزْعُمُونَ» و یا استفاده از همزه قطع به جای همزه وصل در مدخل‌های «أَنْتَ»، «أَنْتَا»، «أَنْتَا» و «أَنْتَا» و...
 در برخی از آیات، کلمه‌ای به جای کلمه‌ای دیگر آمده است، مانند: «قَالُوا» به جای «قَالَ» (در ذیل مدخل «جَسْتَنَا»، طه: ۵۷)، کلمه «الْعَلِيمُ» به جای «السَّمِيعُ» (در ذیل مدخل «شَيْءٌ»، شوری: ۱۱) و «لَلْكَافِرِينَ» به جای «لِلظَّالِمِينَ» (در ذیل مدخل «نَارًا»، کهف: ۲۹).
 این‌جابه‌جایی در برخی دیگر از آیات به گونه‌ای دیگر صورت گرفته است؛ مثلاً ذیل مدخل «يَهْتَدُونَ»، به جای آیه ۱۶ سوره نحل، آیه ۱۵ که کلمه «يَهْتَدُونَ» در آن به کار رفته آمده است، و یا ذیل مدخل «أَزْوَاجِكُمْ»، به جای آوردن ابتدای آیه ۱۱ سوره ممتحنه، انتهای آن که مشتمل بر کلمه «أَزْوَاجَهُمْ» است آمده است. عکس مورد اخیر، در مورد مدخل «اللَّهُ» اتفاق افتاده، یعنی در سوره یوسف، آیه ۴۰، به جای آوردن قسمت اخیر آیه، قسمت نخست آن که مشتمل بر واژه «اللَّهُ» است، آورده شده است و یا ذیل مدخل «يَضْرِبُونَ» (انفال: ۵۰)، آن مقدار از آیه که ذکر شده، فاقد این کلمه است.

در چاپ نخست ویرایش ریشه‌ای آن، مقدمه کتاب هم به زبان فارسی و هم به زبان عربی آمده است؛ در حالی که در چاپ دوم آن، در برخی از نسخه‌ها مقدمه فارسی و در برخی دیگر، مقدمه عربی آمده است. در انتهای مقدمه، به منظور تسریع و تسهیل استفاده از معجم، مطالبی زیر عنوان «راهنمای استفاده از کتاب حاضر» در یک صفحه ذکر شده است که می‌تواند بسیار کارآمد باشد.

در مؤخره کتاب، علاوه بر خلاصه مقدمه کتاب به زبان انگلیسی، چند پیوست حاوی برخی اطلاعات مفید نیز به چشم می‌خورد: «فهرست واژه‌های دشواریاب قرآنی و ریشه‌های آنها» (در ویرایش ریشه‌ای)، «فهرست سوره‌ها و آیات مکی و مدنی»، «فهرست کلماتی که به بخش ادوات و ضمایر ارجاع شده است» (در ویرایش ریشه‌ای)، «فهرست اسامی سوره‌های قرآن» (در ویرایش الفبایی، به ترتیب حروف الفبا) و «فهرست منابع و مآخذ».

ساختار کلی معجم حاضر، علی‌رغم شباهت‌های بسیاری که به معجم محمد فؤاد عبدالباقی دارد و در حقیقت، به نوعی اقتباس از آن است و بدین جهت، به همان نام نامیده شده، دارای تفاوت‌های عمده و بارزی است. این معجم تقریباً همانند معجم عبدالباقی به صورت دو ستونه که هر ستون آن، خود، متشکل از شش ستون فرعی است، به شرح زیر تنظیم شده است: (۱) ستون مدخل یا واژه قرآنی؛ (۲) ستون آیه و آیات قرآن که واژه مورد نظر در آن به کار رفته است؛ (۳) ستون شماره آیه؛ (۴) ستون شماره صفحه قرآن؛ (۵) ستون نام سوره؛ (۶) ستون شماره سوره.

با توجه به دقت و تأملی که در هنگام آماده‌سازی معجم حاضر به کار رفته است، به جرئت می‌توان گفت این معجم در بین معجم‌های واژه‌یاب که مدخل‌های قرآنی را در بافت خاص خود نشان می‌دهند، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ و به عبارت دیگر، معجم حاضر امتیازات همه معجم‌های قدیم و جدید یادشده را - که پیش از این به برخی از آنها اشاره شد - به همراه پاره‌ای از امتیازات دیگر در خود جمع کرده است؛ البته این بدان معنی نیست که معجم مورد نظر فاقد هرگونه ضعف و کاستی است. برخی از کاستی‌های معجم در روایت الفبایی آن که یک سال پس از روایت ریشه‌ای آن منتشر گردیده، بر طرف شده است؛ به گونه‌ای که بنا به گفته مؤلف، می‌توان روایت الفبایی را از یک نظر، ویرایش جدیدی از روایت ریشه‌ای آن دانست. امید است کاستی‌های روایت ریشه‌ای نیز در چاپ‌های بعدی بر طرف شود.

ویژگی‌های هر دو معجم را می‌توان به سه دسته اساسی تقسیم کرد: ۱- ویژگی‌های کلی؛ ۲- ویژگی‌های ستون مدخل؛ ۳- ویژگی‌های ستون آیات.



۳- افزودن ستون شماره صفحات: به منظور تسریع و تسهیل در جستجوی آیات، ستون ویژه ای برای نشان دادن شماره صفحه ای که آیه مورد نظر در آن واقع شده، تدارک دیده شده است. شماره صفحات مطابق با رسم الخط خوشنویسی شده عثمان طه است که در متن صفحات نخستین معجم نیز تعبیه شده است؛ از این رو، با به خاطر سپردن شماره صفحه و شماره آیه به راحتی و در کمترین زمان ممکن می توان به آیه مورد نظر دست یافت.

گفتنی است این ستون به جای ستون تعیین مکی و مدنی در معجم محمد فؤاد عبدالباقی آمده است. سوره ها و آیات مکی و مدنی طی پیوستی جداگانه در انتهای معجم مشخص گردیده است.

۴- افزودن ریشه کلمات: به منظور آشنایی با ریشه همه مدخل ها، افزون بر ذکر ریشه اولین و آخرین مدخل در قسمت سرصفحه، در متن معجم و پیش از هر واژه و یا واژه های هم خانواده، ریشه آنها نیز ذکر شده است. این امر علاوه بر آشنا ساختن مراجعه کننده با ریشه یکایک واژه ها او را در مراجعه به کتاب های لغت و فهم معنای واژه ها نیز کمک می کند.

اهمیت این امر، هنگامی بیشتر روشن می شود که بدانیم در معجم عبدالباقی، به طور مستقل به ذکر ریشه کلمات پرداخته نشده است، بلکه فقط در قسمت سرصفحه، تنها ریشه اولین و آخرین مدخلی که در هر صفحه به کار رفته، ذکر شده است؛ از این رو، به ریشه کلماتی که بین اولین و آخرین مدخل قرار گرفته اند، هیچ اشاره ای نشده است؛ بنابراین در معجم عبدالباقی، از مجموع ۱۷۷۱ ماده قرآنی، تنها به ریشه ۴۹۱ مورد در سرصفحات اشاره شده است.^۵

۵- اتخاذ هر دو شیوه ریشه ای و الفبایی، البته به طور جداگانه: همان گونه که پیش از این اشاره کردیم، مؤلف محترم در ارائه معجم خود از هر دو شیوه، یعنی شیوه ریشه ای (ترتیب مدخل ها بر اساس ریشه آنها) و شیوه الفبایی (ترتیب مدخل ها بر اساس حروف ابتدای آنها) استفاده کرده است. وی در مورد جهات مثبت و منفی هر یک از این دو شیوه، چنین می نویسد (مقدمه فارسی ویرایش ریشه ای، ص ۱۲):

نگارنده معتقد است: افراد در مراجعه به هر یک از این دو نوع معجم، بسته به میزان آشنایی خویش با ادبیات عرب و به ویژه ریشه کلمات از یک سو، و تطفن شخصی و شیوه ها و سلیقه های به کار گرفته شده توسط تهیه کننده آنها، با مشکلات خاصی روبرو است، و از این رو، نمی توان به طور کلی یک شیوه را به طور مطلق بر شیوه دیگر ترجیح داد.

شیوه ی الفبایی - که امروزه بیش از پیش مورد توجه معجم نگاران قرار گرفته - هر چند در دستیابی به اکثر کلمات کارگشایتر است و انسان را سریع تر به آیه مورد نظر رهنمون می شود، ولی در مورد برخی از واژه ها کارایی لازم را ندارد؛ مثلاً در مورد جستجوی واژه های دارای «ال»، تا از سلیقه تهیه کننده معجم اطلاع نداشته باشد که آیا آن را در ترتیب خود به حساب آورده یا نه، نمی تواند به سرعت و به سهولت، به آیه مورد نظر خویش دست پیدا کند و بر فرض که دانست مثلاً تهیه کننده در هیچ جا «ال» را به حساب نیاورده است، باز در مورد واژه هایی مثل «اللّه»، «الذی»، «الّتی» و «الیسع» دچار مشکل می شود؛ چرا که «ال» در ابتدای این چند واژه، هر چند «ال» متعارف نیست تا بنا بر فرض، مثل بقیه موارد، نادیده گرفته شود، ولی با همزه ابتدای این چند کلمه، معامله همزه وصل موجود در ابتدای کلمات دارای «ال» می شود؛ یعنی به هنگام اتصال به کلمه قبل، همزه اول آن تلفظ نمی شود و این امر می تواند برای بسیاری از افراد موجب سردرگمی و مستلزم صرف زمان باشد.

از این مورد نیز که بگذریم، به کلماتی می رسیم که حروف متصلی نظیر: «ب»، «ت»، «س» و ... بر سر آنها در آمده و یا حروف منصلی مانند: «ا»، «و» و ... قبل از آنها قرار گرفته است و کسانی که با ادبیات عرب آشنایی نداشته باشند، مجموع آنها را یک کلمه به حساب می آورند. در این گونه موارد نیز مراجعه کننده ممکن است دچار سردرگمی شود؛ بنابراین کارایی شیوه الفبایی و سهولت و سرعت استفاده از آن نیز مستلزم پیش نیازهایی است.

شیوه ریشه ای نیز مشکلات خاص خود را دارد. عواملی از جمله ۱- ناآشنایی بسیاری از مراجعه کنندگان با ریشه

۵. ر. ک به: المعجم الإحصائی؛ ج ۱، ص ۱۲.

۶. صاحب نظران در مورد «ال» موجود در ابتدای این کلمات و کلمات مشابه اختلاف نظر دارند: مثلاً المعجم الإحصائی و معجم کلمات القرآن العظیم که معمولاً «ال» در ابتدای کلمات را به حساب نمی آورند، همه این کلمات را در باب «الف» آورده اند، ولی محمد فؤاد عبدالباقی سه مورد اول را در باب «الف» و مورد اخیر را در ذیل ریشه «ی س ع» و باب «یاء» آورده است؛ این در حالی است که «الّتی» و «الذی» در لسان العرب، در ذیل ماده «لنا» (ج ۱۲، ص ۲۳۳)، در الصحاح، ذیل ماده «لتی» (ج ۶، ص ۲۴۷۹) و در المنجد، به ترتیب ذیل ریشه «ل ت ی» و «ل ذ ی» (ص ۷۱۲ و ۷۱۹) ذکر شده اند؛ البته به نظر می رسد در مورد این گونه کلمات و نیز همه واژه های «دخیل» بهتر است همه حروف صورت مفرد آن کلمه به عنوان ریشه در نظر گرفته شود.

کلمات؛ ۲- اختلاف نظر صاحب نظران در مورد ریشه برخی از کلمات؛ ۳- وجود پاره ای از واژه های دخیل و غیر عربی در میان واژه های قرآنی؛ ۴- دیریاب بودن ریشه برخی از کلمات حتی برای آشنایان با ادبیات عرب و ریشه کلمات، به ویژه در مواردی که بین ریشه واقعی یک کلمه و ریشه ای که در بدو امر به ذهن انسان متبادر می شود،^۸ و اموری دیگر، این شیوه را در نزد برخی از صاحب نظران ناکارآمد جلوه داده است.

ولی نباید از نظر دور داشت که اولاً بسیاری از افراد، به ویژه ادیبان، قرآن پژوهان و تحصیل کردگان حوزه های علمی در پرتو سال های متمادی مراجعه به معجم های ریشه ای، اعم از معجم های قرآنی و معجم های لغت که اکثر قریب به اتفاق آنها بر همین اساس تدوین شده است، با این شیوه خو گرفته اند و از این رو، آن را ترجیح می دهند و در ره یابی از طریق این شیوه، با مشکل چندانی روبرو نیستند؛ ثانیاً آشنایی با ریشه کلمات، خود، از اهمیت ویژه ای برخوردار است و فهم دقیق معانی کلمات، و از آن جمله، کلمات قرآنی تا حدود زیادی متوقف بر آن است؛ به ویژه با توجه به این نکته که اکثر کتاب های معتبر لغت بر اساس همین شیوه تدوین شده اند؛ ثالثاً در مواردی که انسان مفهوم کلمه ای را به صورت اجمال در ذهن دارد و ساختار صرفی دقیق آن را به خاطر نمی آورد و یا بیش از آنکه در صدد یک جستجوی لفظی باشد، در پی یک جستجوی «مفهومی» و یا «لفظی- مفهومی» است و از این رو، لازم است همه مشتقات یک ریشه را یک جا و در کنار هم مشاهده کند، بدیهی است نه تنها شیوه ریشه ای بهتر و سریع تر او را به مقصد و مقصود می رساند، بلکه گاه چنین امکانی در شیوه الفبایی غیر ممکن می نماید؛ در هر حال، هر یک از این دو شیوه دارای جهات مثبت و منفی مخصوص به خود هستند و هر کدام مخاطب خاص خود را دارند.

با این حال، در ویرایش ریشه ای، علاوه بر استفاده از شیوه ارجاع در موارد متعدد، جدول واژه های دشواریاب موجود در ابتدای معجم عبدالباقی نیز تکمیل و تصحیح، و ریشه آنها ذکر شده است (پیوست شماره ۱).

برای نمونه، مراجعه کننده واژه های «یکتب»، «سکتب» و «الکتب» را در ویرایش ریشه ای، تماماً در «باب الکاف» و ذیل ریشه «ک ت ب» جستجو می کند؛ در حالی که در ویرایش الفبایی، «یکتب» را در «باب الیاء»، «سکتب» و «الکتب» را (با نادیده گرفتن حرف «س» و «ال» به ترتیب، در «باب النون»، و

«باب الکاف» دنبال خواهد کرد.

۶- استفاده از شیوه ارجاع: یکی از شیوه هایی که مؤلف در تنظیم معجم خود به کار گرفته و تا حدود زیادی کار دستیابی به مدخل ها و نهایتاً آیه و یا آیات مورد نظر را تسهیل و تسریع می کند و در معجم های مشابه نیز دیده نمی شود، استفاده از شیوه ارجاع است. وی در مجموع، بیش از پانصد مورد در محورهای زیر از این شیوه استفاده کرده است:

الف) در مواردی که صاحب نظران در تشخیص ریشه یک کلمه اختلاف نظر داشته باشند. در این گونه موارد، پس از ذکر کلمه یاد شده ذیل ریشه صحیح تر و یا ارجح، از ذیل ریشه یا ریشه های ادعایی دیگر، بدان ارجاع داده است؛ مثلاً کلمه «التراقی» را ذیل ریشه «ت ر ق» ذکر کرده و از ذیل ریشه های «ر ق و» و «ر ق ی» به آن ارجاع داده است.

در تعیین ریشه صحیح کلمات، به جز در موارد بسیار نادر، کتاب ارزشمند معجم ألفاظ القرآن الکریم تهیه شده توسط «مجمع اللغة العربیة» در مصر، مبنای کار بوده است؛ همچنان که در دستیابی به اختلاف آرا در ریشه کلمات، کتاب گرانقدر المعجم الإحصائی لألفاظ القرآن الکریم اثر دکتر محمود روحانی مورد استفاده قرار گرفته است.

ب) در مواردی که بین ریشه واقعی یک کلمه و ریشه ای که در بدو امر به ذهن انسان متبادر می شود، تفاوت وجود داشته باشد. مثلاً واژه «یلتکم» که از ماده ی «ل ا ت»، یلیت، لیتاً (مثل باع، یبع، بیعاً) است، ذیل ریشه «ل ی ت» ذکر شده، از ذیل ریشه «و ل ت» بدان ارجاع داده شده است؛ چرا که در بدو امر این احتمال می رود که «یلتکم» بر وزن «یعدکم» و از ریشه «و ک ت، یکت» باشد.

ج) در مواردی که در یکی از حروف اصلی کلمه «قلب» صورت گرفته و یکی از حروف آن به حرفی دیگر تبدیل شده باشد، مانند واژه «ادکر» و «تدخرون» که هر دو از باب «افتعال» و به ترتیب، از ریشه «ذ ک ر» و «ذ خ ر» هستند و بر اساس قواعد این باب، بدین صورت در آمده اند. در این جا، پس از ذکر واژه های یاد شده ذیل ریشه «ذ ک ر» و «ذ خ ر»، از ذیل ریشه «ذ ک ر» و «ذ خ ر» به آنها ارجاع داده شده است.

د) در مواردی که یکی از حروف اصلی یک واژه حذف شده باشد و در این صورت، با واژه ای دیگر قابل اشتباه باشد، مانند

۷. برای آشنایی با اختلاف آرا در باب ریشه کلمات قرآنی، ر. ک به: المعجم الإحصائی؛ ج ۱، ص ۵۸۳.

۸. برای مشاهده برخی از این قبیل واژه ها، ر. ک به: «پیوست شماره ۱» در انتهای ویرایش ریشه ای کتاب.



است در کتابی دیگر و در «بخش ادوات و ضمائر» از همین مجموعه ذکر کند.

ویژگی های ستون مدخل

ستون «مدخل» دارای ویژگی هایی است که در این جا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۹. معجم محمد فؤاد عبدالباقی در زمینه پوشش واژه های قرآنی، خالی از ضعف نیست. در این جا، به برخی از مهم ترین آنها اشاره می شود: اولاً: برخی از مدخل ها را از قلم انداخته است؛ مانند واژه «اللّه» (فاتحه: ۱)، «عند» (بینه: ۸)، «مع» (مائده: ۸۴) و انفال: ۱۹ و (۴۶)، «بعثناهم» (کهف: ۱۲، ۱۹) و «نقصصهم» (نساء: ۱۶۴). دو واژه اخیر هر چند جداگانه نیامده است، ولی اشتباهاً به ترتیب، ذیل مدخل «بعثناکم» و «نقصص» ذکر شده اند؛ البته این موارد غیر از موارد پانزده گانه ای است که خود وی پیش از انتشار کتاب متوجه و در مقدمه، متذکر آن شده است. گفتنی است هر دو دسته از این واژه های از قلم افتاده - چه آنهایی که عبدالباقی خود متذکر شده و چه آنهایی که از چشم او مخفی مانده است - در درون معجم و در جای مناسب خویش گنجانده شده است.

در این جا، یادآوری این نکته شایسته است که تعداد کاربرد واژه «اللّه» در معجم حاضر - مطابق با شمارش المعجم الإحصائی (ر. ک به: ج ۱، ص ۳۲۰-۳۲۱) - برابر با ۲۶۹۹ مورد است «اللّه»: ۹۸۰ مورد، «اللّه»: ۵۹۲ مورد و «اللّه»: ۱۱۲۷ مورد؛ این در حالی است که عبدالباقی تعداد کاربرد کلمه «اللّه» را ۱۱۲۵ مورد ذکر کرده است که با این حساب، مجموع کاربرد واژه «اللّه» بالغ بر ۲۶۹۷ مورد می گردد. معجم ألفاظ القرآن الکریم نیز به تبع از او، همین رقم را ذکر کرده است. منشأ این اختلاف عبارت است از: ۱- به حساب نیابردن واژه «اللّه» در نخستین آیه از سوره فاتحه (در حالی که دیگر واژه های این آیه در مواضع خود به حساب آمده اند)؛ ۲- اشتباه چاهی در ثبت تعداد دقیق موارد کاربرد واژه «اللّه» و ذکر عدد ۱۱۲۵ به جای ۱۱۲۶ در زیر واژه یادشده. بدین ترتیب، با افزودن این دو مورد به رقم شمارش عبدالباقی، این اختلاف آماری مرتفع می گردد.

ثانیاً: در ذکر ضمائر و حروف، به صورت سلیقه ای و گزینشی عمل کرده است؛ مثلاً از میان انبوه ضمائر منفصل و متصل، تنها به ذکر چند ضمیر منفصل منصوب، یعنی: «إياك»، «إياکم»، «إيانا»، «إياه»، «إياهم» و «إیای» بسنده کرده است؛ همچنان که از میان تعداد بسیار زیاد حروف، تنها به ذکر چند حرف مانند «بکی»، «إی»، «سوف» و «هه» تنبیه (در مثل «هکذا» و «هاتئذ» اکتفاء نموده است. نکته جالب توجه اینکه «هه» که یک پیشوند است، به عنوان مدخل ذکر شده، ولی «ائتم» که یک کلمه اصلی است؛ نیامده است.

ثالثاً: در مورد برخی از مدخل ها به صورت یکسان عمل نشده است؛ مثلاً در مورد اسماء موصول، واژه «الذی» با ۳۰۴ مورد کاربرد و جمع آن «الذین» با ۱۰۸۰ مورد کاربرد نیامده، در حالی که تشبیه آن «الذین و الذان» هر کدام با یک کاربرد ذکر شده است؛ همچنان که واژه «هَذَا» با ۲۲۵ مورد کاربرد نیامده، ولی تشبیه آن «هَذَانِ» با دو کاربرد آمده است.

واژه «دُعَا» (ابراهیم: ۴۰) که در اصل «دُعَانِي» بوده و «یاء متکلم» از آخر آن حذف شده و در نتیجه، با واژه «دُعَاء» که دارای حرکت اعرابی جرّ است، قابل اشتباه است. در این جا، پس از تفکیک مواضع ذکر آنها و با اشاره به اصل واژه ای که یکی از حروف آن حذف شده (مثل دُعَانِي)، از هر دو موضع به یکدیگر ارجاع داده می شود.

هـ) در مواردی که وزن برخی از کلمات بین دو یا چند ساختار صرفی مشترک باشد؛ مانند آنکه یکی «فعل» باشد و دیگری «وصف». در این گونه موارد، با اشاره به اسم یا فعل بودن کلمه و قرار دادن آن در جای مناسب، از هر دو موضع به یکدیگر ارجاع داده شده است؛ مثل واژه «أَعْلَمُ» که در برخی از آیات فعل است (مثلاً بقره: ۳۰، ۳۳ و اعراف: ۶۲ و ۱۸۸) و در برخی دیگر، صیغه تفضیل (مثلاً بقره: ۱۴۴ و آل عمران: ۳۶). همچنین است اگر در مورد ساختار صرفی یک کلمه اختلاف نظر وجود داشته باشد؛ در این صورت نیز، پس از ذکر آن کلمه در موضع دارای ترجیح، از موضع دیگر بدان ارجاع داده می شود؛ مثلاً واژه «تَوَكَّلُوا» در آیه «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِن تَوَكَّلُوا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ» (آل عمران: ۳۲)، که محتمل است کلمه یادشده، یا فعل مضارع باشد (بر وزن «تَفَعَّلُوا» که بر اساس قواعد باب «تَفَعَّلَ»، یکی از دو «ت» از اول آن حذف شده و یا فعل ماضی (بر وزن «تَفَعَّلُوا» یا توجه به سیاق خطاب در آیه، احتمال اول مرجح دانسته شده، از این رو، آن را در موضع اول ذکر کرده است و از موضع دیگر بدان ارجاع داده است.

ز) با توجه به تغییر مواضع ذکر برخی از واژه های دخیل در معجم حاضر در مقایسه با معجم محمد فؤاد عبدالباقی، پس از ذکر واژه های دخیل در جای مناسب و ذیل ریشه صحیح خود، با اشاره مجدد به واژه های مورد نظر در موضع ذکر محمد فؤاد عبدالباقی، به موضع صحیح آنها ارجاع داده است.

۷- جامع و مانع بودن در پوشش واژه های قرآنی: معجم حاضر از نقطه نظر دامنه پوشش کلمات قرآنی تا حدود زیادی شبیه معجم عبدالباقی است؛^۹ بنابراین از مجموع اقسام سه گانه کلمه، یعنی اسم و فعل و حرف، تمامی افعال و بخش عمده ای از اسماء را در همین کتاب آورده و تمامی حروف و آن بخش اندک باقیمانده از اسما که کمتر مورد نیاز است، یعنی ۱- همه ضمائر؛ اعم از ضمائر متصل و منفصل؛ ۲- همه اسماء موصول؛ ۳- همه اسماء اشاره؛ ۴- همه اسماء استفهام؛ ۵- همه اسماء شرط را قرار

با توجه به آنچه ذکر شد، باید توجه داشت در جستجوهای «مفهومی» و یا «لفظی-مفهومی» که وجود و عدم «ال»، تنوین و نوع حرکت اعرابی کلمات نقش چندانی ندارند و مهم مفاهیم الفاظ است، لازم است همه موارد کاربرد واژه و حالت های گوناگون آن ملاحظه شود.

۴) همه واژه هایی که قطعاً دخیل است و یا احتمال دخیل بودن آن قوی است، با قرار دادن علامت ستاره (*) در قسمت بالای سمت چپ آنها مشخص شده است.

۵) مشخص کردن آن دسته از افعال مضارع باب «تفعّل» و «تفاعل» که یکی از دو «تای مفتوح» «ت» «خطاب» و «ت» «باب» به خاطر تخفیف، از ابتدای آنها حذف شده است (مجموعاً ۲۹ مورد). بدین منظور، حرف محذوف داخل پرانتز و در ابتدای افعال یادشده قرار داده شده است؛ مانند «(ت)تبدّل» (احزاب: ۵۲) و «(ت)تزاوّر» (کهف: ۱۷).

۶) مشخص کردن کلماتی که «ی» و «و» از آخر آنها حذف شده است (مجموعاً ۶۷ مورد). این کلمات با قرار گرفتن حرف محذوف در داخل پرانتز و در انتهای آنها مشخص شده است؛ مانند: «دُعَا(ی)» (ابراهیم: ۴۰)، «تُحْزُون(ی)»، «يَدْعُ(و)» (اسراء: ۱۱) و «يَمْحُ(و)» (شوری: ۲۴).

۷) در نگارش کلمات ستون مدخل از نقطه نظر املا و اعراب گذاری، تنها اقتضای ساختار صرفی آنها مدنظر بوده است، نه رسم الخط مصحف و نه اقتضای موقعیت جغرافیایی آنها در ارتباط با کلمات قبل و بعد؛ از این رو، مثلاً در مواردی نظیر: الف) «فَسْتَلِّ» (یونس: ۹۴) که رسم المصحف اقتضای آن داشته که این کلمه بدون همزه وصل بیاید؛ ب) در مواردی که برای رفع التقای ساکنین، حرف آخر کلمه مکسور و یا مضموم شده، مانند: «قُلْ» و «رَأَوْا» در «قُلْ انظُرُوا» (یونس: ۱۰۱) و «رَأَوْا الْعَذَابَ» (بقره: ۱۶۶)؛ ج) کلمات مختوم به «الف مقصوره» که به سبب قرار گرفتن قبل از کلمه ای که با حرف ساکن شروع می شوند، «الف کوچک» بر روی یاء «ی» حذف می شود، مثل

۱۰. در معجم محمد فواد عبدالباقی مدخل ها معمولاً به همراه این دسته از حروف متصل و منفصل آمده اند؛ هر چند در موارد اندکی ناهماهنگ عمل شده است و برخی از مدخل ها فاقد پیشوند متصل اند.
۱۱. واژه هایی که دارای تنوین نصب هستند (مثل ذُكْرًا)، به سبب «الف» اضافی در آخر آن، خود به خود در آخر قرار می گیرند.
۱۲. در این زمینه نیز در معجم محمد فواد عبدالباقی مدخل ها به صورت یکسان ثبت نشده اند؛ مدخل ها گاهی دارای «ال» و، گاهی فاقد «ال» هستند.

۱- مؤلف یکایک مدخل ها را، هم از نظر تعداد و هم از نظر میزان فراوانی، هم با معجم عبدالباقی و هم با المعجم الإحصائي مقایسه و کنترل کرده است. وی به جای آنکه مدخل های مربوط به هر یک از ریشه ها را مستقلاً و از نو تایپ کند، آنها را از خود آیات گرفته و گفته است با این کار، دو هدف را دنبال کرده است: الف) اطمینان یافتن از اینکه مبدا مدخلی از قلم بیفتد و یا ناخواسته میزان فراوانی آن کاهش و یا افزایش یابد؛ ب) پی بردن به خطاهای احتمالی در ناحیه حرکت های اعرابی کلمات. در نهایت، مؤلف توانسته است به طور ضمنی فایل قرآن مورد استفاده خویش را تصحیح نماید.

۲- مدخل ها بر خلاف معجم محمد فواد عبدالباقی^{۱۰} به طور یکسان، فاقد هر گونه پیشوند، اعم از پیشوندهای منفصل مانند «و»، «ا»، «لم» و پیشوندهای متصل مانند «ب»، «ت»، «س»، «ف» می باشند؛ این در حالی است که همه پسوندها، مانند ضمائر متصل و «نون تأکید» به حال خود باقی گذارده شده اند؛ مانند: «أَخَذْتَهُمْ» و «أَصْلَبْتَكُمْ» که حرف «ف» و «ل» به ترتیب از ابتدای آنها حذف شده، ولی ضمیر «هُم» و «نون تأکید» به همراه ضمیر «كُم» باقی مانده اند.

۳- در این معجم، مدخل های اسمی دارای «ال» و بدون «ال»، مدخل های دارای تنوین و بدون تنوین، مدخل هایی که حرف آخر آنها دارای حرکت اعرابی متفاوت است، از یکدیگر تفکیک و به ترتیب زیر ذکر شده اند: الف) واژه های بدون «ال» و بدون تنوین؛ ب) واژه های بدون «ال» و دارای تنوین مضموم و مکسور؛^{۱۱} ج) واژه های دارای «ال». در هر یک از سه حالت یاد شده، اول واژه های مضموم، پس از آن واژه های مفتوح، و سپس واژه های مکسور ذکر شده اند؛ بر این اساس، تمامی واژه هایی که در معجم عبدالباقی، ذیل مدخل «الدین» و «ذکر» آمده، در این جا از هم تفکیک و بدین ترتیب ذکر شده اند:

- «دین»، «دین»، «دین»، «الدین»، «الدین» و «دین(ی)»؛
- «ذکر»، «ذکر»، «ذکر»، «ذکر»، «ذکر»، «الذکر»، «الذکر» و «الذکر».^{۱۲}

در بخش فعل هم وضع تقریباً به همین منوال است؛ یعنی اول فعل مضارع مرفوع، پس از آن فعل منصوب، و سپس فعل مجزوم ذکر می شود؛ مثل «يَجْعَلُ»، «يَجْعَلُ» و «يَجْعَلُ» و نیز «يَأْتِي» و «يَأْتِي».



با قرار دادن علامت «*» در آخر آیه قبل و علامت «ج» در ابتدای آیه بعد، این اتصال و تداوم نشان داده شده است.
۴- درشت بودن حروف مورد استفاده.

فصل الختام این نوشتار را ذکر سخنی از مؤلف کتاب قرار می‌دهیم. وی پس از اشاره به دقت‌ها و کوشش‌های فراوانی که در تدوین و آماده‌سازی بخش‌های مختلف کتاب به عمل آمده و نیز چندین و چند نوبت نمونه‌خوانی و به ویژه تصحیحاتی که توسط مصححان سازمان دارالقرآن الکریم بر روی فایل قرآن کریم - که در تدوین معجم مورد استفاده قرار گرفته است - انجام شده است، می‌نویسد:

امید آن می‌رود که ان شاء الله معجم حاضر خالی از هر گونه سهو و خطا باشد؛ ولی با توجه به: ۱- حجم گسترده کار ۲- اعراب‌گذاری کامل آیات و مشکل ساختن آنها؛ ۳- کامل و یا کامل‌تر کردن سیاق آیات که مستلزم افزودن کلمه یا کلماتی بر مقدار آیه و یا کاستن از آن بوده است، همواره این احتمال وجود دارد که سهو و خطایی از چشم نگارنده و دیگر مصححان به دور مانده باشد. بر خوانندگان و قرآن‌پژوهان گرامی پوشیده نیست که در جریان کامل کردن سیاق آیات و اعراب‌گذاری آنها، به تعداد دفعات افزودن بر مقدار آیه و یا کاستن از آن و نیز به تعداد حرکتی که بر یکایک حروف نشست، بر ضریب خطای کار افزوده می‌گردد.

در هر حال، بدیهی است به انجام رسیدن این قبیل کارهای خطیر، مشارکت و مساعدت انسان‌های فرهیخته و تیزبین را می‌طلبد؛ از این رو، نگارنده از همه قرآن‌پژوهان و علاقه‌مندان به این کتاب آسمانی شدیداً درخواست می‌کند که به منظور بزرگداشت قرآن کریم و حرمت نهادن به مقام والای آن، با گوشزد کردن سهو و خطاهای احتمالی معجم حاضر و ارسال انتقادات و پیشنهادها، وی را در پیراستن کاستی‌های آن در چاپ‌های بعدی یاری رسانند.



واژه «موسی» در «موسی الکتاب» (بقره: ۵۳)، صورت اصلی کلمه مدنظر بوده و واژه‌های یادشده به ترتیب، ذیل مدخل «اسأل»، «قل»، «رأوا» و «موسی» آمده‌اند.

۸) در صورتی که هر یک از واژه‌های قرآنی بیش از یک مورد کاربرد داشته است، فراوانی کاربرد آن را زیر مدخل و داخل پرانتز ذکر کرده است.

ویژگی‌های ستون آیات

برخی از ویژگی‌های ستون آیات به قرار زیر است:

۱- هرچند هدف اصلی این قبیل معجم‌ها، تسریع و تسهیل در امر جستجوهای لفظی و به اصطلاح «واژه‌یابی» است، ولی با کامل و یا کامل‌تر کردن سیاق آیات به گونه‌ای که به تنهایی معنای کامل و محصلی را افاده کند و حتی الامکان انسان را از مراجعه به متن قرآن بی‌نیاز سازد، زمینه تا حدودی برای جستجوهای مفهومی و به اصطلاح «موضوع‌یابی» فراهم آمده است. مؤلف در این راستا خود چنین می‌گوید:

یکایک آیات معجم مرحوم عبدالباقی مورد بررسی مجدد قرار گرفته و با مراجعه مکرر به قرآن کریم و مشاهده متن کامل هر یک از آیات و در مواردی نیز مشاهده آیات قبل و بعد، حذف و اضافاتی در بسیاری از آنها صورت داده‌ایم... در یک کلام، می‌توان گفت: گزینش مقدار کلمات یک آیه با توجه به معیارهای سه‌گانه زیر صورت گرفته است: الف) حتی الامکان کامل بودن معنای سیاق آیه؛ ب) اکتفا به مقدار لازم و پرهیز از افزایش حجم معجم؛ ج) سفیدخوانی و زیبایی صفحات معجم. در عین حال، در مواردی که در حذف بخشی از یک آیه در تردید بوده‌ایم، احتیاط را در جانب پرهیز از حذف، نگاه داشته‌ایم؛ با این همه، در موارد نسبتاً نادری ملاحظه می‌شود سیاق آیه کامل نیست و این، یا ناشی از ایجاز و حذفی است که به عللی در متن خود آیه صورت گرفته و یا کامل کردن سیاق مستلزم ذکر مقدار زیادی از یک آیه بوده است که به خاطر حجم نشدن کتاب، از آن صرف نظر کرده‌ایم.

۲- به منظور تسریع و تسهیل در دستیابی به آیه مورد نظر، واژه مدخل در متن آیه با حروف سیاه و رنگی مشخص شده است.

۳- در مواردی که آیه مربوط به مدخل بعد ادامه آیه قبل باشد،